

دوستدار حسین(علیه السلام)، محبوب خدا

انسان فطرتاً خوبی‌ها، زیبایی‌ها و فضیلت‌ها را دوست دارد و در پی کسب آنها است. هم چنین ضمن بیزاری از زشتی‌ها و کژی‌ها و رذیلت‌ها، آنها را از خود دفع و دور می‌کند...



بسم الله الرحمن الرحيم

دوستدار حسین(علیه السلام)، محبوب خدا

انسان فطرتاً خوبی‌ها، زیبایی‌ها و فضیلت‌ها را دوست دارد و در پی کسب آنها است. هم چنین ضمن بیزاری از زشتی‌ها و کژی‌ها و رذیلت‌ها، آنها را از خود دفع و دور می‌کند. بر اساس این گرایش فطری است که حبّ و بغض در انسان شکل می‌گیرد. از آن جا که در نظر یک انسان موحد و دین دار، زیباترین و برترین موجود که مبداء همه خیرات و فضایل است، خداوند بی همتا است، بالاترین درجه محبّت نسبت به او و سپس آنچه که مورد رضایت او است تعلق می‌گیرد. در همین مسیر است که وجوب حبّ اهل بیت نبوی (علیهم صلوات الله) نیز مطرح می‌شود.

این نوشتار بر آن است تا با نگاهی به جایگاه و اهمیت حبّ و بغض در اسلام، تأملی در یک حدیث نبوی در مورد فضیلت حضرت امام حسین(علیه السلام) کرده، و به برخی از سخنان ابن تیمیّه (پایه گذار افکار وهابیت) در مورد حرکت امام حسین(علیه السلام) اشاره کند.

حبّ و بغض، اساس ایمان

اصولاً تمام رفتار و عمل انسان بر اساس حبّ و بغض است، و این حبّ و بغض بعد از شناخت حاصل می‌شود. یعنی بعد از آنکه انسان فایده و فضیلت و برتری چیزی را شناخت نسبت به آن علاقه‌مند می‌شود. در مقابل نیز اگر مشخص شود چیزی برای انسان زیان آور و پست و بی ارزش است، نسبت آن کراهت پیدا می‌کند. این حبّ و بغض با شناخت رابطه‌ای مستقیم دارد. هرچه شدت و درجه این شناخت بالاتر باشد، شدت و درجه حبّ و بغض هم بالاتر است.

از آن جا که خداوند متعال و بی همتا که هیچ شبهه و مانندی ندارد و با هیچ موجودی قابل مقایسه نیست، برترین موجود است، بالاترین درجه محبّت متعلق به او است. یعنی خداوند متعال، اولیّت و اولویّت در دوستی دارد و تبع آن، آنچه مورد رضایت او باشد. قرآن کریم در خصوص این حقیقت می‌فرماید:

«و برخی از مردم، در برابر خدا، همانندهایی [برای او] برمی‌گزینند، و آنها را چون دوستی خدا، دوست می‌دارند ولی کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبّت بیشتری دارند(شدیدترین و بالاترین درجه محبّتشان نسبت به خداوند متعال است)»[1]

از این رو، این دوستی اساس ایمان است و بر اساس منطق قرآن اگر انسان این اولویّت را رعایت نکند به سختی می‌توان او را در زمره مؤمنان حقیقی دانست:

« بگو: "اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کساده‌اش بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است، پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در] آورد." و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند.»[2]

مسلم است که محبّت صادقانه و حقیقی نشانه‌ای دارد و نشانه‌ی آن، حرکت در مسیر رضای محبوب و عمل به خواست اوست. به تعبیری محبّ باید طوری حرکت کند و عمل نماید که مورد توجّه محبوب قرار گیرد و محبوب هم او را دوست داشته باشد. بنابراین باید دید چگونه می‌شود که خداوند رحمان ما را دوست داشته باشد. قرآن به این پرسش حیاتی این گونه پاسخ می‌دهد:

« بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.»[3]

اطاعت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حرکت در مسیر رضایت خداوند است. قرآن کریم در آیات بسیاری به این مهم تصریح می‌نماید. از جمله: «آنچه را رسول خدا برای شما آورده بپذیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است.»[4]

این بیان مبین این حقیقت است که هر اندازه انسان بیشتر و دقیق‌تر در اجرای فرامین رسول خدا(ص) کوشا باشد، حضرت حقّ را بیشتر بندگی کرده و بیشتر مورد رضایت او قرار می‌گیرد.

از جمله اوامر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) که از اهمیت و جایگاه بسیار والایی برخوردار است و بر اساس دستور الاهی به مردم ابلاغ گردید، محبّت و موّدت اهل بیت ایشان می‌باشد: «بگو: "من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست‌داشتن نزدیکانم (اهل بیتم)»[5][6]

البته همان طور که اشاره شد محبّت و موّدت زمانی صادق است که محبّ از محبوس اطاعت کند. هیچ انسان عاقلی نمی‌تواند بپذیرد که کسی نسبت به کسی ادّعای محبّت کند، اما در عمل خلاف میل و رضایت محبوس حرکت نماید. دقت در فرمایش نبوی

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در بیانی فرمودند:

«حُسَيْنٌ مِيٌّ وَ آتَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا حَسِينٌ سَبَطٌ مِنَ الْأَسْبَابِ»

(حسین از من است و من از حسینم؛ کسی که حسین (علیه السلام) را دوست بدارد، خدا او را دوست می‌دارد؛ حسین (علیه السلام) بزرگی از بزرگان در خیر و نیکی است.) [7]

این حدیث را بسیاری از بزرگان عامه در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند [8]. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با این فرمایش حسین (علیه السلام) را از وجود خود معرفی کرده است. بدین ترتیب، تمام گفتار و کردار سبط پیامبر، مورد تأیید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و از حسین (علیه السلام) قول و فعلی خلاف رضایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) صادر نمی‌شود. لازم به توجه است که این گونه است که خداوند متعال دوستدار حسین (علیه السلام) را دوست دارد.

نتیجه دیگری که از تأمل در این حدیث حاصل می‌شود این است که دشمن حسین (علیه السلام) مورد غضب خداوند است، و مسلم است که این دشمنی در تمام مراتب آن (قول و فعل و عقیده) قابل بحث می‌باشد. بدیهی است که صرف ادعای دوستی امام حسین (علیه السلام)، نمی‌تواند فایده بخش باشد. زیرا همان طور که ذکر شد، شرط صدق در دوستی، حرکت در رضای محبوب در تمام مراتب آن است.

پس بر اساس این فرمایش پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)، بر هر مسلمانی که خود را پیرو قرآن و سنت نبوی می‌داند، واجب است تا نسبت به حسین بن علی (علیهما السلام) محبت و موّدت داشته و در گفتار و کردار این محبت را آشکار سازد، تا بدین ترتیب، محبوب خداوند رحمان قرار گیرد. از سویی هر گونه دشمنی با سبط پیامبر (صلی الله علیه و آله) که مسلماً ناشی از بغض است، باعث خشم خداوند متعال و آزدن آخرین فرستاده الهی می‌شود.

چند سخن از شیخ الاسلام وهابون

شیخ الاسلام! این تیمیه در کتاب معروف خود که سنگ بنای بسیاری از عقاید وهابیت است، در مورد حضرت امام حسین (علیه السلام) بیاناتی دارد که در این بخش به قسمت‌هایی از آن اشاره می‌گردد:

1- «آنچه حسن [علیه السلام] در ترک جنگ با امام!! (منظور معاویه است) انجام داد، به قصد اصلاح بین امت اسلامی بوده و نزد خداوند و رسولش محبوب‌تر از جنگ با مسلمانان است...» «... اندیشه و فکر حسن [علیه السلام] بیشتر برای مسلمانان فایده‌بخش بوده ... و آنچه او انجام داد نزد خداوند برتر است از آنچه حسین [علیه السلام] انجام داد...» [9]

2- «گناه کشتن حسین [علیه السلام] بزرگ‌تر از گناه بنی اسرائیل نیست که انبیاء را از روی ظلم می‌کشتند!! زیرا گناه و مصیبت کشتن انبیاء بزرگ‌تر است» [10]

3- «در خروج حسین [علیه السلام] (حرکت امام حسین (سلام الله علیه) علیه ظلم و فسق یزید) هیچ خیر و مصلحتی برای دین و دنیا وجود نداشت ... بلکه این خروج و جنگ باعث فساد شد که اگر او در سرزمینش می‌ماند بوجود نمی‌آمد.» [11]

4- «حسین [علیه السلام] بر خلاف امر رسول خدا عمل کرد...» [12]

با توجه به این سخنان، شایسته است که این شیخ الاسلام و پیروانش به این چند سؤال پاسخ دهند:

• آیا ممکن است رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فردی را آنچنان تأیید نماید که او را از خود بداند (حسین از من است و من از حسینم) و امت اسلامی را به محبت او امر نمایند، اما چنین شخصی بر خلاف امر رسول خدا عمل نماید؟ آیا رسول خدا امر به دوست داشتن کسی می‌کند که باعث فتنه انگیزی در جامعه شده است؟ آیا این گفتار (حسین بر خلاف امر رسول خدا عمل کرد...)، متهم کردن رسول خدا به جهل و دروغ‌گویی نیست؟!

• آیا کشتن حسین (سلام الله علیه)، کشتن پیامبر نیست؟ کشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) گناهش سنگین‌تر و بزرگ‌تر است یا کشتن سایر انبیاء؟

• چگونه است در حالی که رسول خدا امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را سرور جوانان اهل بهشت معرفی می‌کند [13]، یکی به صلاح جامعه اسلامی عمل می‌کند و دیگری خلاف صلاح امت؟

قطعاً برای پاسخ به این سؤالات یادآوری آیه 7 سوره مبارکه حشر ضروری است: «آنچه را رسول خدا برای شما آورده بپذیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است.» کلام آخر

به تصریح آیات قرآن، لازمه مؤمن بودن، داشتن حبّ و بغض بر اساس فرماین الهی است. در نتیجه، محبت و موّدت اهل بیت نبوی نیز واجب و از دستورات بسیار مهم خداوند است. رسول خدا نیز بر لزوم دوست داشتن خاندانش از جمله امام حسین [علیه السلام] بسیار تأکید ورزیده‌اند: «حُسَيْنٌ مِيٌّ وَ آتَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا حَسِينٌ سَبَطٌ مِنَ الْأَسْبَابِ» اما مسلم است که دوستی با حسین [علیه السلام] باید در عقیده و کلام و عمل آشکار شود تا انسان محبوب خداوند قرار گیرد. هر چند کلام برخی بزرگان فرق اسلامی، انسان را به تأمل و تأسّف وا می‌دارد.

پانویس

1- وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ (بقره/165)

2- قُلْ إِنْ كَانِ آبَاؤُكُمْ وَ آبْنَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَ تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ مَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (توبه/24)

3- قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (آل عمران/31)

4- مَا أَنَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا تَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (حشر/7)

- 5- قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (شوری/23)
- 6- «قربى» به تصریح منابع شیعه و اهل سنت، اهل بیت (ع) می‌باشند. از منابع اهل سنت: در المنثور سیوطی، تفسیر حریر طبری، مستدرک حاکم، به نقل از فضائل الخمسه، ج1، باب آیه مودت.
- 7- برای آگاهی از معنای دقیق کلمه "سبط" مراجعه شود به: لسان العرب، النهایه و مجمع البحرین، ذیل ریشه "سبط".
- 8- «صحیح ترمذی، ج2، ص307» باب مناقب الحسن و الحسین علیهما السلام «صحیح ابن ماجه» در باب من فضائل أصحاب رسول الله صلی الله علیه (و آله) و سلم، بخاری در «الأدب المفرد» در باب معانقه الصبی، حاکم نیشابوری در «مستدرک الصحیحین»، ج3، ص177، أحمد بن حنبل در «مسند»، ج4، ص172، ابن اثیر در «أسد الغابة»، ج2، ص19 و ج3، ص130، «کنز العمال»، ج6، ص221». برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به: فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج3، باب فی قول النبی صلی الله علیه و آله و سلم: حسین منی و أنا من حسین ...
- 9- منهاج السنه 40/4-41 و 8/146 به نقل از «دراسات فی منهاج السنه» تألیف آیت الله سید علی حسینی میلانی
- 10- منهاج السنه 4/550 به نقل از «دراسات فی منهاج السنه»
- 11- منهاج السنه 4/530 به نقل از «دراسات فی منهاج السنه»
- 12- منهاج السنه 4/531 به نقل از «دراسات فی منهاج السنه»
- 13- از منابع اهل سنت: «صحیح ترمذی، ج2، ص306» باب مناقب الحسن و الحسین علیهما السلام. أحمد بن حنبل در مسندش (ج3، ص62 و ص82) و خطیب بغدادی در تاریخش (ج9، ص231 و ص232 و ج10، ص90). برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به: فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج3، باب فی قول النبی صلی الله علیه و آله و سلم: ان الحسن و الحسین علیهما السلام سیدا شباب اهل الجنة